

طرز محاسبه و تقسيم سود در بانك اسلامي

در شماره چهارم ضمن انتقاد از فرائين غلاظ و شدادي كه با نكهي دوري، براي سهيل الوصول بودن طلب خود وضع مي كند، گفتيم: بانك اسلامي ميتواند بوسيله راههاي آسان و عادلانه ادهاي مضاربه پذير را ملزم كند كه به مرفوع اصل سرمايه و سهم سود آنها به بانك بپردازد. در آن مقاله، چهار طريق براي اين منظور بيان كرديم و بانك پنجمين راه:

۵- مضاربه پذير با سرمايه اي كه مي گيرد، دوره كار تجارتي و يا توليدي ميتواند داير كند:

ايش: تجارتي كه تنها روي يك نوع كالانجام كرده مانند تجارت برنج مثلاً با كندم يا روغن و يا معامله يك نوع ارزخارجي. در اينصورت، حساب سود و ران معامله براي بانك، بسيار آسان بوده و ادعای خسارت بجا تقريباً غير ممكن است زيرا در اينگونه تجارتي، بانك در اول محصول، براي خريد

معمده و ادعای خسارت بي جا نمائيد ميتواند از روزه اول بانك قرارداد شرعي اين راه را نيز محدود سازد يا اين توضيح:

درست است كه مضاربه پذير اين است و از نظر شرعي اگر ادعای خسارت كند ادعای او مسموع است ولي بانك مي تواند از روزه تحت بانك قرارداد شرعي راه اين ادعا را ببرد. به اين طريق كه: بانك در ميان متقاضيان فراوان بول براي مضاربه مي تواند بکسي بول بدهد به علاوه بر شرايط قبلي حاضر باشد متعهد گردد كه در صورت ادعای خسارت اگر اعطيه ايات خسارت بر نيايد حق الجماعه اي به بانك بپردازد كه خسارت بانك اسلامي را جبران كند. هر گاه مضاربه پذير اين شرط را پذيرفت در صورت ادعای خسارت با بانك ثابت كند و از پرداخت حق الجماعه معاف باشد و با اگر اعطيه ايات بر نيايد ملزم به پرداخت حق الجماعه مي شود. اين حق الجماعه جبران خسارت بانك را مي كند.

طرز محاسبه و تقسيم سود

در مقالات گذشته سود مضاربه را بطور فرضي ۲۰٪ حساب كرده و بر اين اساس سهم مضاربه پذير و مضاربه دهنده و بانك را تقسيم كرديم بانك بحث در اين است كه بانك سود و ائني را چگونه تشخيص دهد و پس از تشخيص چگونه سهم هر مضاربه اي را بطور جداگانه حساب نمايد. تا بر اين درايجا دو سؤال است كه بزرگ بطور جداگانه پاسخ مي دهيم:

سؤال اول: بانك در پايان سال مالي خود بايستي سود مضاربه را بجهت تا بتواند سهم شرعاً مضاربه را پرداخته و ترانزنامه منتشر سازد در حاليكه

گاه اتفاق مي افتد تا پايان سال، مضاربه اي حسابش نفييه شده متاعش بفروش زفته، و حساب سود و زبانش روشن نيست، در اينصورت بانك چگونه خواهد توانست حسابها را به بندد، و صورت حساب به مشتريان بدهد و ترانزنامه منتشر نمايد؟

در پاسخ اين سؤال ميگوئيم: همانطور كه در صدر همين مقاله گفتيم، مضاربه پذير با سرمايه اي كه مي گيرد ممكن است بکي از دوره كار تجارتي و يا توليدي را در سال ۱ - تجارتي كه تهاروي يك رقم کالا انجام مي گيرد همانند خريد و فروش برنج مثلاً ۲ - ايجاد يك فروشگاه كسه كارش متنوع است و دادوستدهائي گويان دارد.

در صورت اول خريد و فروش يك رقم کالا بخصوص در مورد كالاهای صلي، برنج، روغن، گشم و امثال آن معمولاً كوتاه مدت بوده بسال بر- ميخورد در اينصورت اگر آنها بتواند سال مالي خود را با بانك تطبيق دهد. بانك ميتواند سال خود را با سال آنها مطابق سازد، و هيچ اشكالي هم پيش نخواهد آمد، اگر احياناً كالاني هم آخر سال فروش زفت ميتواند به مخته روز با كمي كمترويا بيشتر (بر حسب اختلاف وارد) حساب نموده و بر مبنای آن سود را تعيين نمايند.

و در صورت دوم، اگر مضاربه پذير بخواهد فروشگاهي افتتاح كند ميتواند اسالي خود را با سال بانك تطبيق دهد: و يا بانك فقط اول سال خود براي مضاربه بول بپردازد و بهر فروشگاه دتر بلس شده ميدهد، و آخر سال اگر در امات مضاربه پذير ترديني داشت بدفاتر و فاكورها رسيدگي نموده و حساب

سود را میزند و احياناً اگر سه موردی از خیانت برخوردار، حساب آن مشتری را بکلی می‌بندد.

و اگر احياناً لازم شد که به فروشنده‌ای وسط‌سال پول به بهره‌برداری می‌کنند که استثناء در آخر سال مالی بانک که در ضابطه سال‌فروشگاه است، فروشگاه به حسابش رسیدگی نموده، به بانک صورت حساب بدهد و اگر بطور کامل نتوانست صورت سود بدهد، میتواند تنها برای مسائل بطریق تفریب عمل نماید تا در سال بعد بتواند با دقت رسیدگی و برسان بدهد.

بانک چگونه سودها را تقسیم میکند؟

سؤال دوم بانک چگونه میتواند سود هر پولی

را جداگانه حساب کرده به کسی که قرضه کنیم به صاحب پول بپردازد؟ اشکال کار در این است که، بانک تمام پولها را نمیتواند یکجا جمع کند و در زمان واحد بین مضاربه بپذیرد تقسیم کند. در این صورت اگر بخواهیم در تقسیم سود تنها کسب پولها را در نظر بگیریم و بهمان نسبت، سود را تقسیم کنیم در زمان غفلت کرده‌ایم زیرا ما میدانیم در کسب سود در عامل مؤثر است، یکی کمیت سرمایه، و دیگری زمان بهره‌کشی، لذا می‌گوییم: مثلاً هر تومان در بانک ماه بپردازد بهره میدهد که اگر جای هزار تومان ۲ هزار تومان بگذاردیم سود دورتر می‌شود؛ همانطور که اگر بجای یکماه دومه و یا بیشتر بگذاردیم بهمان نسبت سود بیشتر می‌شود. بنابراین اگر بانک اسلامی بخواهد بدون در نظر گرفتن زمان، سود حاصل

از مجموع پولها را بر آنها تقسیم کنند، با روح بانکداری ربوی مغایرت کرده و هم با روح مضاربه اسلامی، و اگر بخواهیم مانند بانکهای ربوی عامل زمان را بطور کامل در محاسبات داده و سود را بر مبنای دو عامل کمیت و زمان حساب کنیم از روح مضاربه اسلامی جدا می‌شویم. زیرا سود مضاربه، یعنی سود واقعی تجارت، لذا تا تجارنی انجام نشده باشد سودی خلق نمی‌گردد.

برای حل این اشکال نظر می‌رسد که بانک اسلامی در ارسال مقدار از زمان را بتواند درست و درجه برای شروع مضاربه قرار دهد. به این معنی که در سال یک دومه را (استه) وضع باز از نظر روحی و کسبی که عادتاً برای شروع به تجارت باشد در آن لازم است در کسب سود دخالت نیندازد، به عبارت دیگر سال بانک اسلامی میشود ۱۰ یا ۱۲ ماهه که اگر صاحب سرمایه‌ای در آن یک یا دومه اقدام بکند، بگرفتن پولش نمود، هیچگونه سودی به او تعلق نخواهد گرفت (۱)

و پولهایی که تا آخر سال در مضاربه بوده است کسب پول را در نظر خواهیم گرفت علاوه بر عامل زمان (ولی زمان معین ده ماه بجای یکسال) درست است که در این صورت باز هم ممکن است پولی از همان روز اول سود داده باشد و پول دیگری با همان کمیت از ماه چهارم متلاش شروع سود داده کرده باشد ولی از آنجا که دقت کامل در تقسیم سود نمیتوان کرد

بقیه در صفحه ۷۲

(۱) در بانکهای ربوی این شرط خیلی شدیدتر حکم فرماست؛ یعنی سبده‌هایی که مدتهاً متلاش بوده

تعیین گردیده است اگر قبل از مدت، صاحب سبده خواست بگیرد بکلی باید از سودش صرف نظر کند.

کند. اما درجات بالاتر از این، مانند اجرای مجازات و کفرها و حدود الهی درباره افراد گناهکار، باید زیر نظر حکومت اسلامی مانند زمان پیامبر انجام گیرد. و هیچ فرد عادی حق ندارد در اجرای نظارت عمومی پیش خود اقدام به آنها کند.

که با زبان نرم و بیان دلنشین، برادران دینی خود را پندواند زنده کند، و آنانرا از عواقب بدگناه بازدارد، و اگر احتمال تأثیر دهند حتی میتواند روابط دوستانه خود را با آنان قطع کند. و این نوع مبارزه با فساد و نظارت عمومی هرگز ایجاد هر چه و مرجع نمی-

(بقیه از صفحه ۱۶)

پس بانک نمیتواند هر پولی را جداگانه نگهداری نموده و جداگانه به مضارب بدهد، و حساب را نیز جداگانه داشته باشد. از این جهت در اول سال از مضارب به دهندگان میخواهند که بهمین اندازه از حق خود چشم پوشی نموده بک با دوام را برای مضارب بپذیرند. به عنوان فرصت و مهلت برای شروع سود کسر نموده اگر واقعا هم سودی نصیب شده باشد صرف نظر نمایند با این ترتیب هم روح مضارب حفظ شده است و هم عامل زمان را بکنی نادیده گرفته ایم

* * *

حسابهای پس انداز!

اکنون بحث ما پیرامون مضارب با پولهای بود که به عنوان سپرده ثابت به بانک اسلامی داده میشود. اکنون ببینیم بانک اسلامی میتواند پول هانی که به عنوان پس انداز به بانک داده می شود به مضارب بدهد یا خیر؟

الته میدانیم تفاوت پول پس انداز با سپرده ثابت این است که سپرده ثابت را صاحبش قبل از مدت

فرار داده شده نمیتواند بگیرد (مگر با شرایطی) ولی پول پس انداز را هر موقع که بخواهد میتواند پس بگیرد ولی باز هم بانک نمیتواند پولهای حساب های پس انداز را نیز به مضارب بدهد، متناهی تمام پولها را بلکه درصدمعین از آنها را، یا این توضیح: درست است که صاحبان حساب پس انداز میتوانند پول خود را در هر وقت بخواهند بگیرند ولی معمولاً این طور نیست که تمام پولها همیشه در تحویل و تحویل باشد، بلکه مقدار معینی از آنها است که در داد و ستد دائمی است بنابراین بانک میتواند مثلاً ده درصد از حسابهای پس انداز را همیشه بصورت نقد نگهداری نموده و ۹۰٪ بقیه را وارد معامله نماید و بهمین نسبت در تقسیم سود به حسابهای پس انداز تا میزان ۹۰٪ سرمایه شان سود بدهد. و اگر احياناً بیش از ۹۰٪ از حسابهای پس انداز را بخواهند سلود نمایند بانک میتواند از پولهای که به عنوان حساب جاری بطور دائم بدستش میرسد کمک بگیرد.